نگاه

## استفاده ابزاری از شرافت و آبروی خبرنگاران

شهرام اجتهادی

● «آخوندی، وزیر راه و شهرسازی، به خبرنگار حمله و میکروفون او را پرت کرد»؛ این ترجیع‌بندِ خبرها و اظهار نظرهای اکثر رسانه‌های سیاسی روز چهارشنبه بود.

سیل انتقادها و گاه توهین‌ها از یک سو و حمایت‌های انگشت‌شمار از سوی دیگر، صحنه رویارویی را به وجود آورد. حالا دیگر این اتفاق لقمه چربی است برای کسانی که نزدیک به ۴۰ ماه می‌کوشیدند اصلی‌ترین منتقد سیاست‌های دولت بهار را بزنند و نمی‌خواهند به‌راحتی این لقمه را از دست بدهند؛ البته در حمایت از حرفه خبرنگاری و حفظ حرمت قلم. حالا فرصت مناسب است تا منتقدان دولت آسمان را به ریسمان ببافند و یک بار دیگر به دولت روحانی حمله کنند.

این یک موقعیت خوب است برای کسانی که در هنگام معرفی وزرای کابینه به عباس آخوندی انگ فتنه‌گر را زدند، همان‌هایی که او را به استیضاح کشیدند به‌خاطر جلوگیری از اجرای طرحی که صدها هزار میلیارد تومان را بدون مطالعه برای اهداف سیاسی هدر داده بود، همان کسانی که سعی می‌کردند از داغ بر دل افتاده فوت هم‌وطنان‌مان در حادثه قطار تبریز - مشهد استفاده ابزاری کنند و به‌جای التیام این داغ هر روز بر شعله‌های آتش می‌افزودند و چهره مصلح و هم‌درد را به خود گرفتند، بلکه از این نمد خونین کلاهی برای خود ببافند.

برای کسانی که باز هم آخوندی را استیضاح کردند و باز هم شکست خوردند، برای کسانی که خانه شخصی عباس آخوندی را که قبل از برقراری دولت یازدهم ساخته شده بود، به‌عنوان سند اشرافیت نشان دادند، آنهایی که صدمات تحریم را پنهان کردند و صادقانه به مردم نگفتند چون تحریم شدیم دولت پولی ندارد که برای تکمیل مسکن مهر بدهد و به وزیر راه حمله کردند.

آنهایی که نگفتند وزیر راه نمی‌خواهد امنیت جسمی و روانی مردم به خطر بیفتد و نمی‌خواهد خانه‌ای تحویل مردم بدهد در جایی که فاضلاب به جای آب روان در جوی‌ها جاری است و درمانگاه و مدرسه و پاسگاه و بازار و... وجود خارجی ندارند و همین هم باعث شد کینه‌ای عمیق از وی در دل برخی بنشیند، زیرا منفعت برایشان در تحویل‌دادن خانه‌های ناامن و... به مردم بود؛ بنابراین چکش تخریب را با قدرت بیشتری می‌کوبیدند.

این تنها اقدام آخوندی نبود که عده‌ای را عصبانی کرد؛ او زخمی زده است که تاوانش را تا سال‌ها باید بپردازد. اقدام بعدی او در عملی‌کردن دستاوردهای برجام بود، دولت روحانی برجام را ساخت تا دوباره جنگی نشود که اگر می‌شد خیلی از ما داغدار پدر و برادر و اقوام خود می‌شدیم. هرچند همه ما برای دفاع از ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی جان را فدا می‌کنیم و هیچ ابایی از این نداریم؛ اما چه بهتر که از جنگ پرهیز شود، دولت روحانی برجام را ساخت تا دیگر کسی نفت را نبرد بدون آنکه پولش را بپردازد. برجام ساخته شد تا دیگر کسی با ظاهرسازی نتواند سه‌هزارمیلیارد تومان را بردارد و برود کانادا و به مایی که حقوق‌مان به بیستم ماه نمی‌رسد بخندد. برجام آمد تا دکل‌های نفتی بیشتری گم نشود.

ادامه در صفحه ۱۹

عکس: میزان

«شرق» عملکرد ۱۰ ماهه وزیر نفت دولت پیشین را بررسی کرد

# «جهاد» به سبک «قاسمی»

**شرق، مهتاب قلی‌زاده:** هر یک روز که به انتخابات بعدی ریاست جمهوری نزدیک می‌شویم، فرد تازه‌ای انتقادهای جدیدی به دولت و عملکردش مطرح می‌کند. اینها همان‌هایی هستند که سودای ریاست‌جمهوری را در سر می‌پرورانند و به هر قیمتی دولت را به باد انتقاد می‌گیرند. برخی از این منتقدان امروز، مدیران دولت سابق‌اند که حالا می‌خواهند مانند رئیس سابق‌شان، قدم در راه ریاست دولت بگذارند. قصه این‌جاست که بررسی عملکرد همین منتقدان امروز در دوره مدیریت‌شان، واقعیت‌های دیگری را هویدا می‌کند. «سردار» رستم قاسمی از همین منتقدان امروز است؛ او که روزگاری در دوره محمود احمدی‌نژاد بر کرسی وزارت نفت تکیه زده بود، حالا قرار است از سوی جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی (جمنا) برای تصاحب صندلی ریاست قوه مجریه کاندیدا شود.

### قاسمی چه گفت؟

حالا سردار سپاهی هم به خیل منتقدان در جدال انتخابات پیش‌رو پیوسته است. آن‌طور که «ایلنا» گزارش داده است، او گفته: برای مذاکره با مدیر توتال به فرانسه رفته بودم؛ اما گفتند با کمتر از رئیس‌جمهوری مذاکره نمی‌کنند. چیزی نگذشت که برای مذاکره نماینده فرستادند. این یعنی ما می‌توانیم.

قاسمی در مجمع عمومی نیروهای انقلاب گفت: در کشوری زندگی می‌کنیم که قدرت نخست منطقه و امن‌ترین کشور دنیاست؛ اما در این کشور همسر جانباز خودسوزی می‌کند، گورخواب داریم و مشکلات فراوانی وجود دارد. او افزوده است: آمارهایی که در راستای کار به مردم ارائه می‌شود، خجالت‌آور است و تورم و رکود در جامعه وجود دارد. فرصت سعی و خطا نداریم. سخنرانی مسئله‌ای را حل نمی‌کند. هر کجا جهادی عمل کردیم، موفق شدیم. قاسمی با بیان اینکه تحریم‌ها از دوران «ما می‌توانیم» است، گفت: پیشرفت‌ها در صنعت نفت هم از نمونه ما می‌توانیم است و در آن دوران کسی باور نداشت طرح‌های ملی از دستاوردهای ما باشد. او تأکید کرد: دشمنان در دوره تحریم همه ابزارهای لازم را برای فروپاشی اقتصادی به کار گرفتند و این ظلم به مردم ایران بود. درحالی‌که منتظر شکست اقتصادی ایران بودند، چه شد که اعلام کردند تحریم‌ها اثر نکرد. صنعت نفت وابستگی شدیدی داشت و همه منتظر تعطیلی آن بودند؛ اما به لطف خدا به‌جای فروپاشی به خودکفایی و غنی‌سازی رسیدیم. آن زمان دشمن خواستار مذاکره بود؛ اما بعدها برخی عجله کردند. یکی از نامزدهای «جمنا» برای انتخابات ریاست‌جمهوری گفت: اقتصاد ایران باید از منابع‌محوری به دانش‌محوری تبدیل شود و این شدنی است. اگر روند فعلی ادامه یابد، حرف دشمنان اثبات می‌شود که دین و دینداری نمی‌تواند موجب اداره کشور شود و این ظلم به دین است. همه در اینکه کشور با مشکل مواجه است، متفق‌القول هستیم و به برنامه اقتصادی قدرتمند نیازمندیم. به گفته او بسیاری از برنامه‌ها مبتنی بر مسائل داخلی نیست و راه‌حل رفع مشکلات، ایجاد اقتصاد قدرتمند و به‌کارگیری نیروی باتجربه است: امروز شرایط کشور نباید این‌گونه باشد و ما پاسخی به مردم نداریم. ما نیاز به تغییرات بنیادی داریم. ما لوکوموتیو را به دست لوکوموتیوران نداده‌ایم. تیغ جراحی اگر دست متخصص بیهوشی باشد، بیمار به هوش نمی‌آید.

### قاسمی در وزارت

زمانی که تلاش وزارت نفت (زمان مسعود میرکاظمی در دوره احمدی‌نژاد) برای افزایش تولید نفت و گسترش ظرفیت به شکست انجامید (موضوعی که ناشی از کنارگذاشتن مدیران باسابقه بود و این عملکرد ضعیف موجب انتقادات جدی از مجلس شد)، احمدی‌نژاد به‌جای میرکاظمی یکی از مدیران ارشد سپاه پاسداران به نام رستم قاسمی را منصوب کرد. این واقعیت که میرکاظمی و قاسمی پیشینه سپاهی داشتند، تصادفی نبود؛ احمدی‌نژاد صدها نفر از نیروهای دولت خود را از سپاه آورد و نقش مهمی در گسترش فعالیت‌های اقتصادی سپاه پاسداران بازی کرد. انتصاب قاسمی به وزارت نفت همچنین با دور جدید تحریم‌های نفتی و مالی وضع‌شده از سوی آمریکا و جامعه بین‌المللی مصادف شد که صادرات نفت خام و فراورده‌های نفت و گاز ایران را هدف گرفته بود. این تحریم‌های شدید، نقش سپاه و شرکت‌های اقتصادی آن را در تولید و بازاریابی نفت گسترش داد. بنگاه‌های مهندسی وابسته به سپاه پا پیش گذاشتند تا تولید را حفظ کنند و پروژه‌های توسعه‌ای را که بنگاه‌های بین‌المللی به واسطه تحریم‌ها رها کرده بودند، ادامه دهند. در همین زمان، سپاه پاسداران در فروش نفت و واردات تجهیزات و قطعات تحریمی برای صنعت نفت و گاز کشور به شرکت نفت کمک کرد. وزارت نفت به روابط غیررسمی و تاجران خصوصی مورد اعتماد برای انجام معاملات بین‌المللی از جانب دولت متکی بود. پنهان‌کاری و نبود شفافیت چاره‌ناپذیر در عملیات این واسطه‌های نفتی باعث ایجاد فرصت‌های بسیاری برای بی‌نظمی‌های مالی شد و این سوءاستفاده‌های مالی هرازگاهی در مجلس و در رسانه‌های داخلی افشا می‌شد. این افشاگری‌ها در سال آخر ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد و زمانی بسیار بیشتر شد که او اعتماد و پشتیبانی مقام معظم رهبری را از دست داد. احمدی‌نژاد نفوذ اقتصادی و مدیریتی سپاه را در صنعت نفت و گاز تسهیل کرد که با انتصاب رستم قاسمی به عنوان وزیر نفت در سال ۲۰۱۲، به اوج خود رسید. او مبالغ هنگفتی را به سمت اجرائی‌کردن یارانه‌های نقدی هدایت کرد و در بستر اصلاحات یارانه‌ای جامع او در دسامبر ۲۰۰۹، منابع مالی وزارت نفت کاهش یافت. سرانجام در این دوره خصوصی‌سازی صنایع پایین‌دستی دولتی (پالایشگاه‌ها و واحدهای پتروشیمی) شتاب گرفت؛ اما این فرایند ماهیت شفافی نداشت و در بیشتر موارد به پارتی‌بازی و رفیق‌بازی آلوده بود.

### عملکرد سردار از نمایی نزدیک‌تر

«متأسفانه رئیس‌جمهورشدن احمدی‌نژاد بسیاری را به این باور رسانده که می‌توانند رئیس‌جمهوری شوند؛ این‌چنین است که پیمانکار شرکت نفت، معلم مدرسه، نماینده مجلس و مدیران ناموفق خودروسازی هم هوس ریاست کرده‌اند و چون کارنامه‌ای برای ارائه ندارند، پریشان‌گویی می‌کنند و با سخنان شعاری و لفاظی، دستاوردهای دولت در نجات کشور را زیر سؤال می‌برند». این را سیدحمید حسینی، عضو هیئت‌مدیره اتحادیه صادرکنندگان فراورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی به «شرق» می‌گوید. او در واکاوی آنچه در دوره رستم قاسمی بر وزارتخانه مهم ایران گذشته است، توضیح می‌دهد: «ایشان که مدعی خودکفایی در نفت شده بگویند در دوره ایشان در کدام بخش خودکفا شده‌ایم؟ آیا به جز کپی‌کردن نقشه‌های پیشین، تیم آنها توانست هیچ نوآوری دیگری در صنایع نفت داشته باشد؟ آیا توانستند یکی از فازهای پارس جنوبی را طراحی پایه یا تفصیلی کنند؟». عضو هیئت‌مدیره اتحادیه صادرکنندگان فراورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ادامه می‌دهد: در دوره احمدی‌نژاد پروژه فاز ۱۵ و ۱۶ در سال ۱۳۸۳ از دولت اصلاحات تحویل گرفته شد و در مدت بیش از ۱۰ سال و با هزینه‌ای معادل دو برابر شرکت‌های خارجی تحویل داده شد. در دوران وزارت نفت دولت‌های نهم و دهم که بخشی هم محصول فرایند زمان آقای قاسمی است، نتوانستند پروژه‌ها را حتی یک دلار هم تأمین مالی کنند و بزرگ‌ترین اشتباه را در همراهی با عربستان در حذف سهمیه‌بندی از اوپک و پذیرش سقف ۳۰ میلیون بشکه انجام دادند. جالب است که آقای قاسمی نقش اصلی را در فروش نفت و میعانات به بابک زنجانی داشته و فقط به آن اکتفا نکرده است. او منابع شرکت نفت را هم به ایشان سپرده و اکنون عملکرد دولت را شرم‌آور می‌داند؟» به گفته حسینی، خوب است که آقای قاسمی و دوستانش به مدیریت در رده‌های شرکتی ادامه دهند و از این راه به مردم کمک کنند و عرصه ریاست‌جمهوری را به شایستگان و راست‌گویان واگذار کنند. حسینی تأکید کرد: یادمان نرود که جریان دکل‌های نفتی در دوره مدیریت مدیر منصوب ایشان رخ داد و در دوره وزارت آقای قاسمی بود که با واردات ۶۰ هزار تن ورق و لوله گازی، همه واحدهای تولیدی کشور به روز سیاه نشستند؛ هنوز یارد شرکت تأسیسات دریایی در خرمشهر محل انبار هزاران تن از این لوله‌های گازی و نفتی است.

### وزرای نفت احمدی‌نژاد، مجری تحریم‌ها

علی شمس‌اردکانی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق تهران است. او در بررسی فعالیت‌های نفتی دوره رستم قاسمی به «شرق» می‌گوید: واقعیت این است که باید آقای قاسمی را در کنار دیگر همکارانش در دوره محمود احمدی‌نژاد دید. در آن دوره وزارت نفت ایران چندین وزیر به خود دید و یکایک آنها به دنبال این بودند که اموال کشور را به یغما ببرند؛ از وزیر اول گرفته تا وزیر آخر؛ همه‌شان می‌خواستند اموال کشور را بالا بکشند.

شمس‌اردکانی ادامه می‌دهد: اگر نه، چگونه ممکن است اموال وزارت نفت را که مهم‌ترین سرمایه بین‌نسلی ایران است، به فردی بسپارند که افتخارش این است که در بانک مرکزی راننده بوده؟ بعد هم استدلال کنند که می‌خواسته‌اند خصوصی‌سازی کنند؛ یعنی همه این کشور از بخش خصوصی خالی شده بود و یک بابک زنجانی مانده بود؟ فردی که کوچک‌ترین سواد و دانشی از نفت ندارد. شما همین حالا از او بپرسید با یک لیتر گازوئیل، چند کیلووات‌ساعت برق تولید می‌شود؟ به‌خدا که نمی‌تواند پاسخ دهد.

شمس‌اردکانی ادامه می‌دهد: از سوی دیگر مشکلی که ایران در ۶۰ سال گذشته داشته است، در دوره احمدی‌نژاد به اوج رسید؛ ایران به اندازه کافی از پول نفت در خود نفت سرمایه‌گذاری نمی‌کند؛ اما این موضوع در دولت‌های نهم و دهم به بحران تبدیل شد. آقای احمدی‌نژاد و تک‌تک وزرای نفتی‌اش از جمله آقای قاسمی، مجری تحریم‌هایی شدند که آمریکا علیه ایران وضع کرد؛ یعنی اگر اسرائیل یک مأمور بر وزارت نفت ایران منصوب می‌کرد نمی‌توانست به‌خوبی اینها عمل کند. واقعیت این است که در آن دوران حتی یک دلار هم در بخش نفت سرمایه‌گذاری نشد و همه سرمایه این کشور در بودجه جاری خرج شد. رئیس کمیسیون انرژی اتاق تهران تأکید کرد: این وزرا با همکاری رئیسشان ۸۰۰ میلیارد دلار از سرمایه کشور را به باد دادند.

فرشاد مؤمنی دولت فعلی را به انتشار دروغ‌های دولت قبل تشویق کرد

# آواربرداری روحانی از خرابی‌های احمدی‌نژاد

**شرق:** دست مخالفان باز است، آن‌هم به‌خاطر سکوتی که دولت روحانی این روزها پیشه کرده است. منتقدان این عملکرد دولت؛ از آن به‌عنوان خطای دولت یازدهم یاد می‌کنند. اکنون زمانی است که مردم نیاز دارند تا به دولت نمره دهند و عملکرد این دولت را با دولت قبلی قیاس کنند؛ بنابراین بهتر آن است که خوراک لازم به مردم داده شود تا عوام‌فریبی‌های برخی از مسئولان دولت گذشته در نشست‌های خبری! باز هم ذهن ساده مردم را به بازی نگیرد. به گفته فرشاد مؤمنی، اقتصاددان و عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی: «یکی از بزرگ‌ترین خطاهای دولت یازدهم این است که حتی یک مورد از گروگان‌گیری‌های دولت قبل را به اطلاع مردم نرسانده است، درصورتی‌که مردم برای رأی‌دادن در انتخابات آینده باید از این مسائل مطلع باشند». مؤمنی در همایش در تداوم تدبیر و امید، به کالبد شکافی شرایط سیاسی و اقتصادی کشور در دولت روحانی پرداخت و از لفظ «گروگان‌گیری» درباره دولت سابق استفاده کرد و دولت روحانی را موظف به انتشار اطلاعات و آمار از حجم دروغ‌ها، نابسامانی‌ها و مفاسد آن دولت دانست. این استاد اقتصاد خطاب به نهادهای نظارتی هشدار داد: باید به‌جای شعارهای عوام‌فریبانه و کشورسوز، فرصت‌طلب‌ها را به مردم معرفی و آنان را محاکمه کرد.

### دولت روحانی، خوش‌شانس‌ترین و بدشانس‌ترین دولت

این استاد علم اقتصاد، دولت روحانی را خوش‌شانس‌ترین و بدشانس‌ترین دولت پس از انقلاب دانست و افزود: خوش‌شانس‌ترین از این بابت که اگر این دولت هر کاری که انجام دهد با هر متری که سنجیده شود، در قیاس با دولت گذشته عملکرد بهتری داشته و بدشانس‌ترین از این بابت که بخشی از ظرفیت‌هایی که باید در اختیار این دولت قرار داشته باشد، در اختیارش نیست.به گزارش ایسنا، وی ادامه داد: اگر ارزیابی آسیب‌شناختی وجود داشت، می‌توانستیم به حجم ضربه‌ها و هنجارشکنی دولت قبل و عمق ضربه‌ای که به «حس ایرانی‌بودن» وارد شد، پی برد. وقتی دولت، ندانم‌کار باشد، الگوی مسلط، مناسبات رانتی می‌شود و در این چارچوب روابط بر محور حذف، فساد و بی‌عدالتی شکل می‌گیرد. یکی از تلخ‌ترین طنزهای دولت قبل بدنام‌کردن واژه «عدالت» بود که این هم یکی از خطاهای راهبردی دولت فعلی است که گزارشی از چرایی جایگزین‌شدن فلاکت به‌جای عدالت در دولت گذشته، به مردم نداده است. به گفته این استاد دانشگاه، توزیع بی‌ضابطه رانت، ترویج دروغ‌گویی و گسترش فساد مالی از بزرگ‌ترین اقداماتی بود که دولت قبل در کارنامه خود ثبت کرده است. این استاد اقتصاد گفت: امیدوارم در دولت روحانی آواربرداری از خرابی‌های دولت قبل پایان یابد و زین پس هوشمندانه‌تر رفتار شود. نمایش رشد اقتصادی که این روزها روی آن مانور داده می‌شود، در دوران گذشته هم انجام می‌شد؛ اما باید توجه داشت که کیفیت رشد اهمیت دارد، امیدوارم دولت فعلی در دام تظاهر و نمایش دولت قبل نیفتد.

مؤمنی متذکر شد: میانگین رشد اقتصادی در سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۲، ۱۱.۲ دهم درصد و در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ به ۱۵درصد افزایش یافت. اگر به این رشدهای بی‌کیفیت اقتصاد دل ببندیم همه ضرر خواهند کرد. وی به‌انحراف‌کشاندن دولت از مسیر درست اداره کشور را از بزرگ‌ترین ظلم‌های منتقدان سیاست‌زده دولت روحانی دانست و افزود: حداقل انتظار از دولت یازدهم افشای رفتار این منتقدان است. دولت روحانی به‌گونه‌ای رفتار می‌کند که گویی مسئول نابسامانی و مفاسد دولت‌های قبل هم هست، درحالی‌که شرایط کشور در دوران اضطرار شدید است. این استاد دانشگاه خواستار تفکیک بین مسائل ملی و سهم قوه مجریه در این امور شد و پیشنهاد داد: در حیطه اقتصاد باید مشخص شود امکانات اقتصادی که در اختیار سایر نهادها قرار دارد، چیست تا نسبت آن با اختیارات قوه مجریه مشخص شود. همچنین باید مشخص شود امکاناتی که در اختیار نهادهای عمومی غیردولتی قرار دارد چقدر است و نسبت آن با اختیارات دولت شفاف شود، این کار برای کل نظام بهتر است. شفاف‌سازی یک مسئله حیاتی است. وی یادآور شد: دوسال‌ونیم قبل، از دولت روحانی خواستم لایحه‌ای قانونی تهیه کند تا راه بر رفتارهای فرصت‌طلبانه و عوام‌فریبانه افراد بسته شود؛ اما این کار به هر دلیل انجام نشد. اگر همچنان به این مسئله توجه شود ممکن است بخش زیادی از فقرای کشور که سهم بالایی از جمعیت ایران را به خود اختصاص داده‌اند، امیدشان را به دولت روحانی از دست بدهند. وی هشدار داد: نباید اجازه داد عده‌ای با آتش‌زدن مملکت برای خود محبوبیت دست‌وپا کنند.

### دولت اثباتی عمل کند نه سلبی

### کمال اطهاری، اقتصاددان

نقدی که دولت کنونی انجام می‌دهد، با گفتمان نازلی است. اقدامی که دولت کنونی در دست دارد، سلبی است نه اثباتی. نقدی که مابازای آن هیچ عمل اثباتی وجود ندارد، صرفا ایجاد مشکل می‌کند. این مسئله مخالفان را قوی‌تر می‌کند. همین می‌شود که رئیس دولت قبل هنوز هم می‌تواند حمله کند و حرف‌هایی بزند که نظر مردم را به خود جلب کند. موضوع این نیست که در بیان فسادهای دولت قبل کم‌کاری شده، موضوع آن است که اقدام دولت اثباتی نبوده و بر مبنای سلبی تکیه داشته و عمل چندانی رخ نداده که جایگزین عملکرد خطای دولت قبل شود. در نتیجه، طرف مقابل هنوز هم زبانش باز است. در این شرایط به دولت توصیه می‌کنم به‌جای اینکه روی هسته سخت تورم و رکود تأکید کند، معیشت کارگران را هدف قرار دهد تا به زبان ملموس مردم دست یابد. البته دولت حاضر نمی‌خواهد از عرصه اقتصاد برای بقایش استفاده کرده و بلوف اقتصادی بزند؛ این نکته مثبت است. دولت کنونی به نظرم دچار عقده نیست و نمی‌خواهد خودش را بهتر از آنچه هست، نشان دهد و عقل‌رس شده است. هر انتقادی که به دولت روحانی وارد باشد، متأسفانه به جناح مقابلش دو چندان وارد است. بخش مهمی از رانت‌جویی‌ها از جناح مقابل است. اینکه یک اقتصاد درون‌نگر و برون‌زاست، بخش مهمی ناشی از نگاه گذشته اصولگراها و آنهایی است که خود را به اصولگرایی منسوب کرده‌اند. مسلم است فرمان دولت دیگر جای چرخاندن تند ندارد. درست است که قابلیت، ظرفیت و فهم در این جامعه برای اینکه بسامان شویم، وجود دارد؛ اما اراده‌اش هم باید در دولت به وجود آید. در کل، در حاکمیت هم این اراده باید به وجود بیاید که بتوانیم حرکت کنیم وگرنه سرنوشت بدی برای جامعه خودمان می‌بینیم؛ چون آخرین فرصت‌ها برای جامعه برای اینکه بتواند حیاتش را ادامه دهد، باقی مانده است.

### روحانی حقایق را رو کند

### ابراهیم نکو، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس نهم

حداقل حسن انتشار حقایق و مقایسه عملکرد دولت فعلی با دولت قبلی، ممانعت از ظهور دولت‌مداری به شیوه احمدی‌نژادی خواهد بود. اگر انتظار داشته باشیم آقای احمدی‌نژاد جز آنچه مطرح کرده، بگوید، اشتباه از ماست. بنیان او بر عوام‌فریبی، دروغ‌پردازی و تخریب دیگران نهاده شده است. متأسفانه بنیان عملکرد او در دوران ریاست‌جمهوری، بر عوام‌فریبی و در دوران تبلیغات انتخاباتی، بر تخریب و اکنون هم بر افتراها بنا نهاده شده است. چیزی که از دولت آقای روحانی انتظار می‌رود، آن است که نه در قالب افترا، توهین و دروغ، بلکه در قالب بیان واقعیات و آنچه عملکرد دولت احمدی‌نژاد بوده، به مردم صادقانه بگوید چه اتفاقی بر این کشور رفته است. پس از آنکه آقای روحانی به ریاست‌جمهوری انتخاب شد، مطرح شده بود نقاط قوت دیگران ادامه داده شود و نقاط ضعف پنهان نگاه داشته شود. بنا بر همین اصل و بسیاری از مسائل دیگر، در دولت روحانی حلقه مفقوده‌ای دیده می‌شود که به صورت واضح ضعف‌های دولت گذشته به نمایش گذاشته نمی‌شود تا مردم به‌درستی نسبت به خطاها آگاهی یابند. آقای روحانی باید صادقانه و بدون اغراق و حاشیه‌ها برای مقایسه دو دولت اقدام کند. مردم امروز می‌خواهند آنچه را در دولت قبلی و دولت فعلی رخ داده، به مقایسه گذاشته و به دولت نمره دهند. این را هرچند مخالفان دولت و برخی افراطیون شاید به مثابه تبلیغات انتخاباتی تلقی کنند؛ اما اهمیتی ندارد. دولت باید امروز به‌طور واضح با آمار، ارقام و ادله کافی به مردم بگوید چه اقتصادی را تحویل گرفته و چه اقتصادی را تحویل دولت بعدی می‌دهد. آنچه استنباط می‌شود، آن است که دولت در نظر دارد در دوران تبلیغات به این موضوعات اشاره کند؛ اما مطرح‌کردن این موضوع در آن زمان، می‌تواند جنبه تبلیغاتی به خود بگیرد و مخالفان آن را به‌عنوان ابزار انتخاباتی بدانند. در مقایسه منطقی و اجمالی دولت آقای روحانی، باید گفت دولت یازدهم، اقتصاد ورشکسته‌ای را تحویل گرفت که بخش اعظمی از آن به دولت احمدی‌نژاد برمی‌گشت؛ اما مردم به بخش زیادی از آن اطلاعات دسترسی ندارند. این مشکل به ضعف اطرافیان رئیس‌جمهور در اطلاع‌رسانی و استفاده‌نکردن از ابزارهای رسانه‌ای برای شفاف‌سازی بازمی‌گردد. مردم اکنون ابزار کافی برای بررسی و مقایسه نداشته باشند، فقط باید خوراک لازم را بر مبنای واقعیت از هم‌اکنون در اختیار مردم گذاشت تا به قضاوت بنشینند.

ادامه از صفحه ۲

## قطار همکاری ریلی ایران و آذربایجان

... و ایران هم متعهد شده تا بحث تملک اراضی را نهایی کند که با توجه به ارزش ریالی بالای زمین‌هایی که در حریم این قطعه ریلی قرار دارند، کمی پیچیده به نظر می‌رسد. بر اساس شنیده‌ها، دو طرف قرار است در ماه جاری بر سر میز مذاکره برگردند تا قرارداد تأمین مالی این قطعه را نهایی کنند. درصورتی‌که وضعیت تأمین مالی این پروژه نهایی شود، مسیر برای آغاز عملیات اجرائی قطعه رشت- آستارا در سال جاری هموار خواهد شد. گام بعدی برای تکمیل این پروژه، انتخاب پیمانکار است که به احتمال زیاد واگذاری این پروژه از طریق مناقصه بین‌الملل و به صورت EPCF انجام خواهد شد. با اینکه درحال‌حاضر جابه‌جایی کالا به‌صورت ترکیبی بین هندوستان و روسیه به واسطه کریدور شمال - جنوب ممکن است (و به‌تازگی از این مسیر بهره‌برداری آزمایشی شده است)، پیش‌بینی می‌شود با تکمیل شبکه ریلی کریدور شمال - جنوب، حجم ترانزیت ریلی از طریق ایران با بیش از صددرصد افزایش مواجه شود. انتظار می‌رود افزایش حجم ترانزیت ریلی، به نوبه خود فواید بسیاری در ابعاد اقتصادی و زیست‌محیطی برای کشور به همراه داشته باشد که این خود باید به صورت جداگانه بررسی شود.

*مسئول اقتصاد ایران در خبرگزاری ترند

گذر

آیا شایسته ثبت در کارنامه دولت اعتدال هست؟

## رانت‌جویی یقه‌سفیدها به جای اصلاحات واقعی در مقررات

● در قالب یک تغییر در آیین‌نامه‌های اجرائی قانون برگزاری مناقصات، اقدامی خلاف جهت‌گیری دولت در کاهش رانت و تعارض منافع، در حال شکل‌گیری است. این بازگشت به عقب دولت، ازسرگیری انعقاد قرارداد سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی با شرکت‌های تعاونی و صندوق‌های بازنشستگی وابسته به خود است. این در حالی است که دو ماه قبل (پنجم بهمن ۹۵) در سایت‌ها و خبرها این‌گونه منتشر شده بود که «معاون حقوقی رئیس‌جمهوری اعلام‌کرد: تدوین لایحه تعارض منافع برای پیشگیری از فساد مالی»[1]. یک ماه قبل از آن (هشتم دی) نیز در خبرها آمده بود که «معاون تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری اعلام کرده است: در لایحه تعارض منافع، تعارض حقوق و منافع فردی و شخصی مقامات و کارکنان با سمت‌هایی که در اختیار دارند، است که با نگرشی علمی- پژوهشی، آسیب‌شناسانه و ریشه‌ای تنظیم شده است. وی موضوع مربوط به حقوق‌های نجومی و تعیین حقوق مدیر یک دستگاه به‌وسیله خودش را نمونه‌ای از تعارض منافع در قوانین برشمرد»[2] اما به نظر می‌رسد درحالی‌که در بخشی از دولت تلاش برای اصلاحات محیط حقوقی کشور در جریان است و این موضوعات را در رسانه‌ها اعلام می‌کنند، در گوشه‌ای دیگر از دولت، جریان رانت‌سازی با تحرکات جدید به‌دنبال پیشبرد خواسته‌های خود و تولید رانت‌های جدید برای صاحبان مناصب دولتی است که البته شایسته است این تحرکات نیز در رسانه‌های مستقل به بحث و نقد آزاد گذاشته شود. اقدام در دست انجام بخشی از مدیران دولتی، به‌ظاهر رفع ابهام میان دو تبصره بند «ت» ماده سه آیین‌نامه اجرائی بند «الف» ماده ۲۶ قانون برگزاری مناقصات است. اما آنچه در عمل پیشنهاد شده است حذف مفاد تبصره دو ۳ بند «ت» و بازکردن راه انعقاد قراردادهای «تعاونی‌های کارکنان و صندوق‌های بازنشستگی» با دستگاه‌های متبوع خود است. اقدام بسیار خطرناکی که تبعات آن ناگفته کاملا پیدا و ماهیت غیرمنطقی و رانت‌جویانه آن کاملا آشکار است. گفتنی است ممنوعیت کنونی موجود در آیین‌نامه برای مقابله با رانت‌جویی در معاملات دولتی، در راستای سیاستی است که در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ در مجلس ششم برای کاهش رانت‌های معاملات دولتی در قانون برگزاری مناقصات با نسخ بندهای یکم و دوم از ماده ۷۹ قانون محاسبات عمومی ۱۳۶۶ وضع شد. جالب است که حتی دولت‌های نهم و دهم نیز پیگیری این ممنوعیت مهم را پذیرفته و آیین‌نامه بند «الف» ماده ۲۶ قانون برگزاری مناقصات را در سال ۱۳۸۵ با پذیرش ممنوعیت این رانت خطرناک تصویب کرده بود. اکنون جای شگفتی و پرسش جدی است که از میان همه نقایص و ابهام‌ها و ایرادهای متعدد آیین‌نامه‌های قانون برگزاری مناقصات، چرا برخی از مدیران دولت یازدهم هیچ‌کدام را نیازمند اصلاح ندانسته‌اند، به جز فقط حذف بهترین، مهم‌ترین و شفافیت‌زاترین نکته این آیین‌نامه؟

این تحرکات برخی از مدیران دولت کاملا خلاف جهت‌گیری‌های کلان و اعلام‌شده دولت در راستای شفاف‌سازی و مبارزه با تعارض منافع و نیز مصوبات مجلس شورای اسلامی در راستای بهبود شاخص‌های تدارکات عمومی کشور است. بنابراین باید در اسرع وقت مورد توجه علاقه‌مندان اصلاحات واقعی امور قرار گیرد و از ثبت این لکه در کارنامه دولت جلوگیری شود.

البته تلاش‌های صادقانه بخش‌هایی از کارکنان صدیق دولت برای جریان امور در مسیر اصلاحات واقعی و جلوگیری از انحراف نیز مشاهده می‌شود، اما دراین‌خصوص به نظر می‌رسد عزم سیاسی قاطعی شبیه آنچه رئیس‌جمهوری در تمرکز حساب‌های شرکت‌های دولتی در بانک مرکزی انجام داد، لازم باشد؛ تا دیگر در لایه‌های پایین‌تر دولت فیل یقه‌سفیدان یاد هندوستان رانت‌های رنگارنگ مالی و اداری که دولت‌ها را به‌شدت فربه و ناکارآمد کرده است، نکند.

**پی‌نوشت‌ها:**

[1] (http://www.irna.ir/fa/News/۸۲۳۹۹۶۴۲).

[2] http://www.iribnews.ir/fa/news/۱۴۴۱۱۳ ٪D۹٪D۸٪/٪D۸٪D۸٪AA٪D۹٪AF٪۸۸٪DB٪AC-٪D۹٪۸۶-

خبر

## مجوز آمریکا به شرکت ملی نفت ایران و «BP» برای فعالیت مشترک

● بریتیش‌پترولیوم اعلام کرد: وزارت خزانه‌داری آمریکا برای شرکت انگلیسی بریتیش‌پترولیوم و شرکت ملی نفت ایران برای فعالیت مشترک در میدان گازی «رام» مجوز داد. به گزارش رویترز، میدان گازی رام یک میدان گازی فراساحلی مشترک بین ایران و انگلیس است که در ۴۰۰ کیلومتری شهر ابردین در آب‌های ساحلی اسکاتلند در دریای شمال قرار دارد. قرارداد اکتشاف این میدان در سال ۱۹۷۳ منعقد شد و در سال ۱۹۷۷ به کشف میدان انجامید، ولی به دلیل مشکلات فنی پیچیده استخراج گاز از این میدان، تا سال ۲۰۰۶ به طول انجامید.